

[مقدمات بحث اقتضا 2](#_Toc82435771)

[مقدمه سوم: عمومیت داشتن نهی در مساله نسبت به اقسام نهی 2](#_Toc82435772)

[نهی غیری و نفسی 2](#_Toc82435773)

[نظریه مرحوم نائینی: خروج نهی غیری از محل بحث 2](#_Toc82435774)

[اشکال اول استاد به نظریه مرحوم نائینی 2](#_Toc82435775)

[اشکال دوم استاد به نظریه مرحوم نائینی 3](#_Toc82435776)

[توجیه کلام مرحوم نائینی 3](#_Toc82435777)

[تقسیمات دیگر نهی 3](#_Toc82435778)

[تقسیم نهی به مولوی و ارشادی 3](#_Toc82435779)

[خروج نهی ارشادی از محل بحث 3](#_Toc82435780)

[نهی ذاتی و تشریعی 4](#_Toc82435781)

[نهی از ضصلات حائض و صوم عیدین 4](#_Toc82435782)

[خروج نهی تشریعی از محل نزاع 4](#_Toc82435783)

[بررسی حکمی از کفایه مرحوم آخوند 5](#_Toc82435784)

[نظریه مرحوم خویی و صدر در مورد نهی از صلات حائض و صوم عیدین 5](#_Toc82435785)

[مختار استاد در مورد نهی از صلات حائض و صوم عیدین 5](#_Toc82435786)

[مولوی بودن اصل در اوامر و نواهی 6](#_Toc82435787)

**موضوع**: مقدمه سوم /مقدمات بحث /مساله اقتضا

**خلاصه مباحث گذشته:**

بحث در مورد مقدمات مساله اقتضا بود. در جلسه گذشته به مقدمه سوم رسیدیم. در این مقدمه بحث شد که آیا نهی تنزیهی و غیری داخل در محل بحث هستند یا نه؟ در این جلسه هم به بررسی بیشتر این مطلب و تقسیمات دیگری که شده پرداخته می­شود.

# مقدمات بحث اقتضا

## مقدمه سوم: عمومیت داشتن نهی در مساله نسبت به اقسام نهی

### نهی غیری و نفسی

بحث در این بود که نهی غیری داخل در محل نزاع هست؟ مرحوم آخوند فرمود[[1]](#footnote-1): نهی غیری داخل محل نزاع هست.

### نظریه مرحوم نائینی: خروج نهی غیری از محل بحث

مرحوم نائینی فرمود[[2]](#footnote-2): نهی غیری خارج از محل نزاع است و جای نزاع ندارد؛ چرا که نهی غیری ناشی از مفسده در متعلق نیست و ناشی از عدم مصلحت در متعلق نیست؛ بلکه ناشی از مصحلت اهم در شیئ آخر است. مثل این که بگوییم امر به اهم، مقتضی نهی از ضد خاص است، لا تصل نهی غیری می­شود و این نهی غیری از محل بحث خارج است؛ چرا که به خاطر ازاله نجاست این نهی هست و الا خود نماز ملاک دارد.

#### اشکال اول استاد به نظریه مرحوم نائینی

این مطلب مرحوم نائینی محل مناقشه واقع شده است. بعضی و لعل مشهور قائل به این هستند که نهی غیری مقتضی فساد است. اصلا می­گویند اگر امر به شیئ مقتضی نهی از ضد باشد موجب فساد متعلق می­شود و به عنوان ثمره این مطلب را ذکر می­کنند. پس اشکال اول این است که مشهور بر خلاف نظر مرحوم نائینی قائل به فساد هستند. لذا جای بررسی کرد. بلکه بیشتر ثمره مساله اقتضا در نهی غیری است. چرا که نهی نفسی مقتضی فساد باشد، واضح است. معلوم است که نهی نفسی دلالت بر مبغوضیت متعلقش در عبادات دارد و مبغوضیت هم باعث فساد است.

#### اشکال دوم استاد به نظریه مرحوم نائینی

اما این که ایشان فرمود نهی غیری مقتضی فساد نیست، ما در اصل بحث این مطلب را بررسی می­کنیم و می­گوییم حق با مشهور است و نهی غیری مقتضی فساد هست. هر چند که مولا نهیش از نماز به خاطر غیر است ولی بالاخره جدی می­گوید نماز نخوان. نهی حقیقی است و عرضی نیست. بعید نیست که نهی غیری موجب مقربیت نداشتن عبادت بشود. مهم این است که نهی غیری قطعا داخل محل نزاع هست. اگر قدر متیقن از محل نزاع نباشد داخل در محل نزاع هست.

#### توجیه کلام مرحوم نائینی

این مطلب هم اضافه شود: مرحوم آخوند فرمود: نهی تنزیهی و تحریمی داخل در بحث هستند. مرحوم نائینی فرمود نهی از تطبیق است. ما جواب دادیم که نظر مرحوم نائینی این است حالا اگر نهی به ذات عبادات تعلق گرفته تکلیف جیست؟ پس محل بحث است.

ما توجیه کردیم به این که مرادش این است: نهی تنزیهی از عبادات نداریم. مرحوم شیخ حسین حلی هم متعرض این مطلب شده است که در اجود کبری را انکار کرده است و در فوائد صغری را انکار کرده است. یعنی در فوائد گفته است که نهی نتزیهی به عبادت نداریم. مقصود این است که ما می­توانیم کلام ایشان را توجیه کنیم و عبارت اجود را می­توانیم بگوییم مرادش همان انکار صغری است. هر چند که در معاملات نهی تنزیهی داریم؛ ولی مقتضی فساد نیست.

## تقسیمات دیگر نهی

### تقسیم نهی به مولوی و ارشادی

تقسیمات دیگری هم وجود دارد که مرحوم آخوند آنها را مطرح نکرده است. یک تقسیم این است که گاهی اوقات نهی مولوی است و گاهی ارشادی. مرحوم آخوند در ذیل عبارات آتیه اشاره کرده است که نهی ارشادی از محل بحث خارج است. خوب بود در این جا هم توضیح می­داد.

#### خروج نهی ارشادی از محل بحث

محل بحث جایی است که مولا اعمال مولویت کرده باشد اما اگر ارشاد به بطلان و مانعیت باشد مانند لا تصل فی وبر ما لا یوکل لحمه در این جا واضح است که ارشاد به مانعیت و باطل است. یا از اول ارشاد به بطلان هستند.

### نهی ذاتی و تشریعی

تقسیم دیگری که برای نهی هست، تقسیم نهی به ذاتی و تشریعی است. نهی ذاتی نهیی است که به ذات تعلق گرفته است مثلا صلات حائض را بعضی قائل به این قسم هستند. صوم عیدین ذاتش منهی عنها است. در باب اجتماع ذات صلات منهی عنه است.

نهی تشریعی، نهی حقیقی است و اعمال مولویت شده است ولی نهی از تشریع است. حالا نهی از تشریع حقیقتش چیست، محل بحث است. نهی تشریعی ما را نهی از تشریع می­کند.

#### نهی از ضصلات حائض و صوم عیدین

مرحوم خویی مدعی است نهی در باب صلات حائض نهی تشریعی است. حالا یا ارشاد و یا اگر ارشادی نباشد، تشریعی است. یعنی اگر حائض بگوید نماز می­خوانم چون که خدا گفته است، منهی است اما در عین حال ذات صلاتش نهی ندارد. یکی از ثمرات نهی ذاتی و تشریعی در یوم الشک رمضان است. کسانی که قائل ذاتی بودن هستند در یوم الشک جای احتیاط مستحب دارد و احتیاط به سفر رفتن است. قطعا نه واجب ترک شده و نه حرام ارتکاب شده ولی اگر سفر نرود احتمال دارد که مرتکب حرام شده باشد. هر چند که استصحاب را می­توان جاری کرد.

اگر گفتیم حرمت تشریعی است در ذهن مرحوم خویی این بوده که ذات صوم که مفسده ندارد. فقط امر ندارد و اگر کسی بگوید برای خدا روزه می­گیرم حرمت تشریعی است پس می­توان به صورت رجائی روزه گرفت و همین کار هم احتیاط است. اگر امروز روزه رمضان است من امساک می­کنم و تشریعی در کار نیست.

##### خروج نهی تشریعی از محل نزاع

چیزی که ذاتا حرام است، قدر متیقن از محل بحث است. ظاهر عنوان هم همین است. نهی از شیئ یعنی از ذات آن نهی شده است. در واقع هم نهی ذاتی است. چرا که در نهی تشریعی فرض این است که امر ندارد و اگر به قصد امر اتیان شود تشریع است پس اگر امر ندارد یعنی فاسد است. محرّم تشریعی در آن فساد نهفته است. هر چیزی که حرمت تشریعی دارد معنایش این است که تشریع نشده است پس امر ندارد و فاسد است. مرحوم اخوند در ضمن کلماتش در کفایه یکی دو جا اشاره کرده است ولی یک جمله ای مطرح کرده که با مذاق فقهی سازگاری ندارد.

#### بررسی حکمی از کفایه مرحوم آخوند

مرحوم آخوند فرموده است: صلات حائض نمی­تواند حرمت ذاتی داشته باشد. چرا که اگر نماز حرمت ذاتی داشته باشد لازمه آن این است که اگر حائض تمرینا نماز خواند باید حرام باشد و لا اظن ان یلتزم به المشهور یا فقها.

این مطلب با مذاق فقهی سازگاری ندارد چرا که کسانی که می­گویند که ظاهر مشهور هم همین است، صلات حائض و صوم عیدین حرمت ذاتی دارد قائل هستند به این که نماز با همه شرائطش حرمت ذاتی است که یکی از آنها قصد صلاتیت است. اگر کسی حمد به قصد صلاتیت بخواند جزء نماز است و الا حمد به قصد فاتحه برای میت باشد جزء نماز نیست. کسانی که اقدام به نماز خواندن می­کنند ارتکازا در ذهنشان این است که همه افعال و اقوال به قصد صلاتی است. حائضی که در مقام تمرین است قصد نماز ندارد بلکه قصد صورت نماز را دارد. هر چند که در جایی تشریع کند، از باب تشریع حرام است. البته حرمت تشریع بحث دارد.

#### نظریه مرحوم خویی و صدر در مورد نهی از صلات حائض و صوم عیدین

مرحوم خویی قائل به حرمت تشریعی صلات حائض و صوم عیدین شده است. به نظرم مرحوم صدر تفصیل داده است. اگر گفت: لا تصل یا دعی الصلات حرمت تشریعی است و ارشاد به عدم مشروعیت است. اگر گفت حرام، حرمت ذاتی است کما این که در صوم عیدین حرام دارد.

مرحوم خویی همه را ارشاد به عدم مشروعیت می­داند. دعی الصلاة مراد عدم مشروعیت است نه این که مفسده داشته باشد. نماز ذکر است نمی­شود که مفسده دار باشد. در صوم عیدین نیز منظور از حرام این است که مشروعیت ندارد. نتیجه این ارشاد حرمت تشریعی است. مستقیما نهی را حرمت تشریعی نمی­داند بلکه نتیجه آن حرمت تشریعی است.

#### مختار استاد در مورد نهی از صلات حائض و صوم عیدین

این مطلب اختلاف در استظهار است. به نظر ما بین دعی الصلاة و صوم عیدین حرام، فرقی نیست و تفصیل مرحوم صدر درست نیست. ظاهرش مولویت و اعمال مولویت است. دعی الصلاة، نهی است. مصالح و مفاسد احکام که دست ما نیست شاید مفسده داشته باشد. این عبادت با این ترکیب خاص شاید مفسده داشته باشد.

مرحوم خویی از کسانی است که اصل مولویت را کنار گذاشته است و یک مورد آن همین مطلب است. یعنی نهی را ارشاد به عدم مشروعیت می­داند و حرمت آن تشریعیه است.

در مقابل، مشهور است که قائل به حرمت ذاتیه شده است. اگر از شخص حائض قصد قربت متمشی بشود، ذات آن حرام است. وجهی ندارد که از ظهور نهی رفع ید کنیم. یعنی ظهور آن مولویت است؛ بله؛ اگر نهی از خصوصیات مرکبی باشد، بعید است که مولوی باشد. اگر گفت صل مع الطهارة ارشاد است. اگر گفت: لا تصل.... ارشاد به مانعیت است.

روایت داریم: لا قران بین طوافین. مشهور می­گویند حرام است قران بین دو طواف. مرحو خویی فرموده است: ارشاد به این است که قران مبطل طواف است. اگر طواف فریضه اتیان شود بعد نماز خوانده نشود و طواف بعدی اتیان شود، قران حاصل شده است. ما گفتیم لا قران ... از خصوصیت مرکب صحبت نمی­کند بلکه دو عمل است که نهی از قران آنها می­کند. این بحث در قران بین دو سوره هم هست. مشهور گفته اند که قران بین دو سوره مکروه است، نه این که ارشاد به این باشد که سوره اول از از کمال ساقط می­شود یا این که از ثواب سوره اول کم می­شود.

#### مولوی بودن اصل در اوامر و نواهی

این بحث، یک بحث استظهاری است. اصل این است که هر وقت امر و نهی داشته باشد، ظاهر این است که اعمال مولویت می­کند. حمل اوامر و نواهی مهما امکن بر مولویت لازم است مگر این که عرف نپسندد و خیلی خلاف عرف باشد مثل لا تصل فی وبر ما لا یوکل لحمه. در صل متطهرا می­توان گفت که نهی غیری است. در معاملات ارشاد به بطلان و مانعیت است. اما اگر متعلق امر و نهی خصوصیت مرکب نیست، ظاهرش مولویت است و وجهی برای رفع ید از این ظهور نیست و داخل در محل نازع می­شود هر چند که مسلم است که مقتضی فساد است.

موید مولویت بودن نهی در باب حائض این است: در روایت معتبره شخصی که وضو نداشت و نماز برپا شده بود حضرت فرمود: اگر با این حال نماز بخواند یخاف ان یخسف به الارض. می­خواهد بفمهماند که نماز بدون وضو کار حرامی است. مگر کسی بگود مقصود از روایت این است که همان نماز بدون وضو را بخواند و به همان اکتفا کند.

ادامه بحث برای جلسه آینده.

1. کفایه الاصول (طبع آل البیت) ص 181 [↑](#footnote-ref-1)
2. اجود التقریرات ج 1 ص 386 [↑](#footnote-ref-2)